

خاطرات روزانه یک مسئول ناترازی



کارتون: محمدعلی رحیمی

وزیر نیرو گفته است «بیش از هشت ماه است برای امروز برنامه ریزی می کنیم. به زودی مشکل برق حل خواهد شد. اما در خصوص آب مشکل داریم.» اینکه هشت ماه است برنامه ریزی می کنند و نتیجه این شده است، واقعا جای تشکر دارد! البته که بدیهی است با سرد شدن هوا، مشکل برق هم حل می شود و اگر باران و برف بیارد هم مشکل آب. برای دیدن زحمات دیگر این عزیزان، خاطرات روزانه یک مسئول ناترازی ها را با هم می خوانیم.

سه شنبه

امروز آقای رئیس گفت که مردم از قطعی آب و برق و نت و تلفن عاصی شدن. گفتم خودم می دونم آقای رئیس، ولی تقصیر من چیه؟ ناترازی انرژی داریم و من مسئول هستم و باید به طور عادلانه قطعی رو بین مردم تقسیم کنم. البته که بعضی محله ها قطعی ندارند، ولی سعی می کنم به طور عادلانه قطعی برق رو توی بقیه محله ها سرشکن کنم. بالاخره ما در برابر مردم مسئولیم.

چهارشنبه

جلسه با کارآفرینان و کارخانه دارها بود. می گفتن داریم ورشکسته می شیم؛ تولید نصف شده، حقوق کارگر رو نمی تونیم بدیم، دستگاه ها مون صدمه دیدن، تعطیلیا هم باعث شده نتونیم با خارجیا معامله کنیم. گزارش های غم انگیزی ارائه دادن. حسابی ناراحت شدیم. واقعا جلسه خوبی بود.

شنبه

حس می کنم که دو روز تعطیلی برای ما با این حجم از مسئولیت کمه. باید پیگیر بشیم که شنبه هم تعطیل بشه. این طوری ناترازا هم کمتر می شه.

یکشنبه

امیرپدرام گفت بابا، آب استخر سرده. گفتم مرد باید توی آب سرد شنا کنه. تو قراره بعد از بازنشستگی من مسئول ناترازی بشی، باید آبدیده و رنج کشیده باریبی. نیم ساعت بعد نازنین پارمیدا آمد و از سردی آب استخر شکایت کرد. فوری گرمایش استخر رو روشن کردم و خودم رو رسوندم

پلتفرم داخلی پیام تند و تیزی داده بود و بعد از بد و بیراه گفتن به همه گفته بود ناترازی اصلی، ناترازی در مدیریتته. ما که با جون و دل به حرف مردم عزیزمون گوش می دیم. فقط حیف که برخی پیام رسان های داخلی باگ دارن و پیام ها خیلی هم ناشناس نیستن و شماره تلفن ها رو هم نشون می ده. به هر حال ظاهر و باطن هرکاری از دست ما بریاد، برای راحت تر کردن تحمل ناترازی ها توسط مردم نازنین انجام می دیم.

چهارشنبه

امروز آقای دکتر نامه زد که نیروی جدید بگیرم. چون باید یک اداره جدید به سازمانمون اضافه بشه. فکر کردم برای حل ناترازی بنزین قراره این کار رو بکنیم که نیازی به اداره نداره و با یک کارمند هم کار راه می افته. ولی آقای دکتر گفت کار بالاتر از این حرفاست. ناترازی منابع مالی داریم. چقدر ناراحت شدم. به خاطر این وظیفه جدید، قرار شد کارانه ماهم دو برابر بشه. هرچی از سختی کارمون بگم، کم گفتم. خوبه فردا و پس فردا تعطیلیم.

به زیرزمین. سیستم تصفیه آب رو خاموش کرده بودم. حالا درسته که برق محله ما قطع نمی شه، ولی دلیل نمی شه که هرازگاهی خودم یه چیزی رو خاموش نکنم تا مشکل مردم رو با پوست و گوشت حس کنم.

روشنه

هوا داره خنک می شه و خبر رسید که باید آماده بشیم برای پاییز و ناترازی گاز. واقعا یک روز هم وقت سرخاروندن و استراحت نداریم ما. هر روز باید شاهد ناترازی یک چیزی باشیم. عوضش هوا که سرد بشه، ناترازی آب و برق کمتر می شه و خدا رو شکر که می تونیم کمکی به مردم خوب کشورمون بکنیم.

سه شنبه

ما همیشه گوشمون برای شنیدن انتقادها و پیشنهادهای بازه. راه های ارتباطی متنوعی هم برای تماس با مردم گذاشتیم. امروز یک نفر در ربات پیام ناشناس یک

اسپیکر را فراموش نکنید

اسپیکر رکن اصلی سفر شماسه. لذت شنیدن ترانه های شش و هشتی در طبیعت یا کنار دریا را از دست ندهید. به این توجه نکنید که حیوانات از سروصدای شما آزرده شده اند یا دیگر مردمان اعصابشان خط خطی شده است. شما برای سفر هزینه کرده اید؛ کوتاه نیابید!

گردشگری کنید

برای یک روز سفر، ده مقصد انتخاب کنید. صبح دریا، ظهر جنگل، عصر بازار، شب کوه و قس علی هذا. جوری باشد که بعدا با دیدن عکس ها، از همدیگر بپرسید: «واقعا گردشگری از گوشی خودمون شروع می شه!»

عکس بگیرید

حداقل ۲ هزار عکس می گیریم؛ ده تا با درخت، بیست تا با دکه ذرت مکزیکی و پنجاه تا در حالت اشاره مرموز به جایی نامعلوم.

همان همیشگی!

چه در جنگل، چه لب دریا، چه کنار زاینده رود خشک، سفره تان را پهن کنید و استانبولی را بگذارید وسط. باقی مردم برای دیدن طبیعت نمی آیند؛ همه به شوق دیدار شما می آیند!